

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 21, No. 3, Spring 2021, 27-50  
Doi: 10.30465/crts.2020.29862.1758

## **A Critical Review on the Book “*Principles of Islamic Management and its Patterns by Documentary Method*”**

**Rasoul Ostadi\***

**Rouhollah Tavalaei\*\***

### **Abstract**

Islamic management is a science that is expected to become more operational in the Islamic Republic of Iran. Religious-managerial researchers have also done more research in this area. One of these scholars is Hojjatoleslam Naghi Porfar, who wrote a book entitled "Principles of Islamic Management and Its Patterns" in the 1970s. This research has reviewed this valuable book to examine its advantages and disadvantages. In this research, after introducing the author and a brief summary of the book, he deals with the background of research conducted in the field of Islamic management in order to critically review this book using previous research. In terms of form and structure, the book has some advantages such as using rich introductions to prepare the reader for the main content, as well as simple writing of the five principles. Considering the disadvantages the existence of writing defects, punctuation marks, the lack of information section, and etc can be mentioned. In terms of content, the book uses the method of quoting verses and hadiths to prove its content and only five principles, non-precedence over God and the Prophet, heresy, unity and harmony, management based on the power of forces and management based on insight forces are reviewed critically in detail.

**Keywords:** Islamic Management, Book Critique, Documentary Method

---

\* PhD Student in Systems Management, Imam Hossein University, Tehran, Iran (Corresponding Author),  
slostadi@ihu.ac.ir

\*\* Associate Professor of Industrial Management, Faculty Member, Imam Hossein University, Tehran, Iran,  
m@ihu.ac.ir

Date received: 2021-02-08, Date of acceptance: 2021-01-30

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نقد کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن به روش اسنادی

رسول استادی\*

روح‌اله تولایی\*\*

### چکیده

مدیریت اسلامی علمی است که در جمهوری اسلامی ایران عملیاتی شدن بیشتر مورد انتظار است محققان دینی - مدیریتی نیز در این حوزه تحقیقات بیشتری انجام داده‌اند. یکی از این محققان حجه‌الاسلام ولی‌آقا... نقی پورفر می‌باشد که در دهه ۷۰ شمسی اقدام به نگارش کتابی با عنوان «اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن» کرد. این پژوهش اقدام به نقد و بررسی این کتاب ارزشمند کرده است تا محاسن و کاستی‌های آن را مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش بعد از معرفی نویسنده و خلاصه اجمالی کتاب، به پیشینه تحقیقات انجام شده در حوزه مدیریت اسلامی پرداخته تا با استفاده از تحقیقات پیشین به نقد و بررسی دقیق این کتاب بپردازد. از نظر شکلی و ساختاری کتاب دارای محاسنی مانند استفاده از مقدمات غنی برای آماده کردن خواننده برای مطالب اصلی و همچنین نگارش ساده اصول ۵ گانه و معیاری مانند وجود ایرادات نگارشی و علائم سجاوندی و نبود بخش اعلام و... می‌باشند. از منظر محتوایی نیز کتاب از روش استناد به آیات و روایات برای اثبات مطالب خود استفاده کرده و تنها به ۵ اصل، عدم تقدم بر خدا و رسول، آخرت‌گرایی، وحدت و هماهنگی، اعمال مدیریت بر اساس اختیار نیروها و اعمال مدیریت بر اساس بصیرت نیروها اکتفا کرده است که بصورت مفصل به نقد این اصول پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت اسلامی، نقد کتاب، روش اسنادی

\* دانشجوی دکتری مدیریت سیستم‌ها، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،  
rslostadi@ihu.ac.ir

\*\* دانشیار مدیریت صنعتی، عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران. ckm@ihu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

## ۱. مقدمه

اهمیت علم مدیریت بر کسی پوشیده نیست. ظهور مکاتب مدیریت نشان داد که انسان‌ها بر آن بوده‌اند که با کمک برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، هماهنگی و کنترل، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی را به نظم درآورند و به زندگی بهینه دست یابند. اما تمامی مکاتب مدیریت به اصول مشترکی پایبند نبوده و به فراخور نیازهای مبتنی بر شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی، به طراحی الگوها و مدل‌های خاصی پرداخته‌اند. در این میان مدیریت اسلامی بر این باور است که بر تمامی جنبه‌های مدیریت اشراف داشته و الگوها و مدل‌های موجود در کتاب و سنت، کشورهای اسلامی را از الگوهای غیراسلامی بی‌نیاز می‌سازد. و مشکلات عدیده‌ای که در اثر به کارگیری الگوهای غیراسلامی و نامتناسب با جوامع اسلامی ایجاد شده است را مرتفع می‌سازد (سرمد سعیدی، ۱۳۷۸: ۵۱).

در سال‌های اخیر محققان بسیاری اقدام به پژوهش و تألیف کتاب برای آشنایی و بهره‌گیری مدیران از نظریه‌های اسلامی نموده‌اند. چه نظریه‌های متقدم مدیریت اسلامی و چه نظریه‌های متأخر مدیریت اسلامی، نمونه‌های برجسته این آثار هستند. یکی از این آثار، کتاب «اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن» حجه الاسلام ولی ... نقی‌پور می‌باشد که بنا به گفته خود تلاشی است محدود در حد بضاعت ناچیز در استخراج اصول مدیریت اسلامی و شناسایی الگوهای آنها در سیره انبیاء و اولیاء که امید است به عنایت خدای واسع علیم، به عنوان قدمی هر چند کوچک، در فتح باب پژوهش‌هایی این چنینی در عرصه فرهنگ و منابع اسلامی، قرار گیرد.

این کتاب دارای سه مقدمه و پنج اصل از اصول مطرح شده به همراه الگوهای آن می‌باشد که با توجه با ارزش و پرمحتوا بودن کتاب، اقدام به نقد این کتاب مبادرت ورزیده شده است. این نقد در راستای کمک به نویسنده کتاب و همچنین معرفی هر چه بیشتر این کتاب به خوانندگان حوزه مربوطه می‌باشد. این مقاله در نظر دارد در چند بخش زیر اقدام به نقد کتاب کند:

۱. معرفی نویسنده کتاب به خوانندگان

۲. ارائه خلاصه کتاب برای آشنایی با محتوای کتاب

۳. ارائه جایگاه و مقایسه کتاب طبق مستندات پژوهش‌های پیشین

۴. نقد شکلی و ساختاری کتاب

۵. نقد نظری و محتوایی کتاب

۶. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات برای بهبود کتاب

## ۱.۱ معرفی نویسنده

دکتر ولی‌ا. نقی‌پورفر از اعضای هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و الهیات دانشگاه قم است. وی در سابقه اجرایی خود، عضویت در کرسی‌های مدیریت کشور، عضویت در کارگروه تحول علوم انسانی و عضویت در کمیته دستگامی نظریه‌پردازی را دارد. ایشان در عرصه علوم قرآن و تفسیر، خانواده در اسلام، فقه قرآنی و مدیریت اسلامی متخصص هستند. از کتب تألیفی ایشان می‌توان به پژوهش پیرامون تدبر در قرآن، بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن و اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن اشاره کرد. ایشان ۱۴ مقاله منتشر کرده و ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد و ۳ پایان‌نامه دکتری را استاد راهنما بوده است.

## ۲. ادبیات نظری و پیشینه

### ۱.۲ معرفی کتاب

کتاب «اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن» یکی از آثار برجسته حجه الاسلام نقی‌پورفر می‌باشد. برای اولین بار در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسید و آخرین چاپ این کتاب متعلق به سال ۱۳۹۴ می‌باشد. بنا به گفته خود نویسنده در پیشگفتار، این کتاب حاصل بخشی از بحث‌هایی است که در گردهمایی‌ها با اساتید مدیریت و دانشجویان کارشناسی‌ارشد و دکتری مدیریت مطرح شد. که بعداً نتایج مباحث به صورت کتاب درآمدند. این کتاب شامل سه مقدمه و پنج اصل می‌باشد که در مقدمه اول در مورد نقش زمان، مکان و دیدگاه ولایت فقیه در فهم و تحقق دین صحبت کرده، در مقدمه دوم در مورد مدیریت از دیدگاه قرآن و معصوم (ع) و دین اسلام و علم و در مقدمه سوم در مورد مبانی پژوهش و تحقیق در قرآن و مدیریت اسلامی بحث شده است و در نهایت در پنج اصل به ادامه مباحث می‌پردازد.

مقدمه اول در دو بخش کلی نقش «زمان و مکان» و نقش «دیدگاه ولایت فقیه» در فهم و تحقق دین مورد بررسی قرار گرفت که در بخش اول در سه بعد فهم و درک قرآن کریم، فهم سنت معصوم (ع) و تحقق دین به ارایه نکاتی همچون توجه به تاریخ صدور قرآن،

توجه به امر مکی و مدنی بودن آیات، توجه به ترتیب نزول آیات و... و همچنین میزان فهم مخاطب در کیفیت و سطح صدور سنت، ضرورت اداره حکومت با توجه به اقتضای زمان و... پرداخته شده است. در بخش دوم با تعریف مفهوم ولایت فقیه طبق فرموده امام خمینی (ره)، اهمیت نگرش دینی از منظر حکومت را یاد آور شده و بیان می‌کند که باید به سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، از منظر اجتماعی و حکومتی نگریسته، و آنان را به عنوان راهبران جامعه اسلامی، به سوی نظام اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی، مورد عنایت قرار داد. و سه بعد فهم سنت معصوم (ع)، فهم قرآن کریم و تحقق دین را در این بخش بررسی می‌کند که در بعد اول مثال‌هایی همچون هجرت به حبشه، هجرت به مدینه، پایگاه ابوبصیر، انذار خویشان، ليله المیت، وجوب حنا بستن و وجوب وضوی مجدد را نویسنده برای نشان دادن جایگاه نقش ولایت فقیه آورده است. در بعد فهم قرآن کریم به صورت خلاصه به بعضی آیات اشاره کرده که این آیات نشانگر این هستند که در یک کشور نیاز به حکومت اسلامی می‌باشد. آیاتی همچون آیه ضرورت شکل‌گیری نهاد امر به معروف و نهی از منکر، دستگیری و مجازات، تبعید و اعدام مزاحمین نوامیس مؤمنان، جنگ با دشمنان و... و در بعد سوم به بررسی تحقق دین مانند اعلام احکام جدید مطابق با اقتضای زمان برای حفظ نظام اسلامی پرداخته است.

در مقدمه دوم در بخش مدیریت از دیدگاه قرآن و معصوم (ع) مصلحان جامعه را دو گروه معرفی می‌کند و آن علماء یا کسانی که رهبری فکری مردم را برعهده دارند و امیران جامعه یا کسانی که مسوولیت اوضاع اجتماعی و اجرایی را پذیرا شده‌اند. که این دو گروه را برخاسته از حوزه و دانشگاه معرفی می‌کند و متذکر می‌شود که باید این دو مرکز مورد توجه قرار گیرد. در ادامه شرط اساسی اصلاح مصلحان را به دو اصل مسلح به فرهنگ قرآنی و مصمم به پیاده کردن این فرهنگ در جامعه منوط می‌سازد و مرور مکرر قرآن و رجوع مکرر به قرآن را از زمینه‌های اساسی توانمندی مدیریت اسلامی دانست. در بخش دوم بنام دین اسلام و دین نویسنده اشاره به تمسک به کل قرآن می‌کند و می‌گوید به کل قرآن باید تمسک جست نه اینکه به بخشی از قرآن التزام داشت و به بخش دیگر نه. زیرا قرآن پیکری واحد بوده و حذف بعضی آیات آن به منزله قطع عضوی از این پیکر است.

در مقدمه سوم در بخش اول به مبانی پژوهش در قرآن می‌پردازد و امر تدبیر را بهترین راه برای ارتباط با قرآن عنوان می‌کند و دو مفهوم ژرفاندیشی و ژرف‌نگری - عاقبت‌اندیشی و عاقبت‌نگری را برای تدبیر ذکر می‌کند و این تدبیر زمینه مساعدی فراهم می‌کند تا

انسان به روشنی و به سهولت، بتواند ملکوتی بودن قرآن را درک کند. در ادامه عوامل سطحی‌نگری که مانع تدبیر شده است را، پیروی از هوی و هوس، ارتکاب معاصی و مشغله‌های دنیایی نام برده است. و در نهایت نویسنده دو خصوصیت متدبر را توجه به باطن امور و توجه به عاقبت امور ذکر کرده و هشت مورد عوامل توان تدبیر را بصورت زیر بیان کرده است: انس و رفاقت با قرآن - اقامه نماز - انفاق و حسن خلق - اعمال صالح - ابتلائات - پیامدهای عمل - یاد مرگ و اهل قبور. در بخش دوم به منابع تحقیق در مدیریت اسلامی پرداخته و پنج منبع زیر را بعنوان منابع تحقیق در مدیریت اسلامی عنوان می‌کند: قرآن - احادیث ذیل آیات - سیره نظری و عملی معصومین (ع) - تفاسیر معتبر - معجم‌های قرآن و احادیث.

در اصل اول بنام "عدم تقدم بر خدا و رسول" بیان می‌دارد که هر چه خدا و پیامبر حکمی داده باشند، چه در حوزه عمل و چه در حوزه علم و نظر، باید تبعیت شود؛ یعنی؛ در همه حوزه‌های فعالیت انسانی، اصل "عدم تقدم بر خدا" و سپس "عدم تقدم بر رسول" حاکم است، بخصوص در حوزه‌های مدیریت، که موضوع مورد بحث است. در ادامه آیاتی در مورد اطاعت پیامبر از خدا و اطاعت مؤمنان از پیامبر و خداوند را مطرح می‌کند و همچنین به کیفیت این تبعیت نیز با آوردن آیاتی مانند ۶۵ سوره نساء یادآور می‌شود. در آخر فصل الگوهای حضرت ابراهیم (ع) و ذبح حضرت اسماعیل (ع)، حضرت ابراهیم (ع) و آتش نمرود، حضرت یونس (ع) و خروج بدون اذن، حضرت لوط (ع) و فرمان خروج، حضرت موسی و فرمان خروج، حضرت پیامبر (ص) و سران قریش، حضرت علی (ع) و پیشنهاد ائتلاف، صبر حضرت فاطمه (ع)، صبر امام حسین (ع) و حضرت زینب (س)، حضرت علی (ع) و صلح حدیبیه، مالک اشتر و حضرت علی (ع)، قضاوت حضرت داوود (ع) و در نهایت حضرت یوسف (ع) و همسر وزیر را برای نشان دادن اصل عدم تقدم بر خدا و رسول (ص) عنوان می‌کند.

در اصل دوم بنام "آخرت‌گرایی" توضیح می‌دهد که آخرت‌گرایی نفی دنیا نیست، بلکه امکانات دنیوی را در راستای اهداف اخروی، قرار دادن است و به معنی تلبس به ارزش‌های قرآنی و الهی دانسته که ما را در مسیر الهی به پیش برد و از سقوط به جهنم هوی و هوس - ها، نجات بخشد. در ادامه الگوهای مربوط به آخرت‌گرایی را آورده که به قرار زیر می‌باشند: برخورد خداوند، با قارون و ثروتش، برخورد حضرت موسی (ع) با گوساله سامری، حضرت پیامبر (ص) و زینت دنیا، حضرت پیامبر (ص) و مشرکان، حضرت پیامبر (ص) و

گرفتن اسیر، مسلمانان و جنگ بدر، پیامبر و اجرای حدود. و همچنین توجیه‌گری، تنفر از حق، استکبار و انکار حق، خروج از راه خدا و سقوط، سلطه شیطان و تبعیت از او، آلودگی تمام عیار، عذاب و گمراهی و گرفتاری شدید را از آثار سوء عدم آخرت‌گرایی عنوان کرده و در نهایت شاخص‌های نظام اسلامی در مسیر آخرت‌گرایی، را جمع‌بندی کرده و ساده-زیستی و زهد مدیریت، جاری بودن فرهنگ انفاق در جامعه، حل مشکل ازدواج، سلامت و طهارت خانم‌ها در جامعه، حل مشکل اشتغال، توزیع عادلانه ثروت، حرمت انسان‌ها و امنیت روانی جامعه و آزادی بیان را بعنوان شاخص‌های نظام اسلامی در مسیر آخرت‌گرایی معرفی می‌کند.

در اصل سوم بنام "وحدت و هماهنگی"، وحدت فرماندهی و وحدت امر، همه پدیده‌ها را هماهنگ می‌کند؛ همه عبد خدا هستند و بر محور امر خدا، فعالیت می‌کنند. پس بر اساس و محور توحید، در عالم، یک سیستم منظم و منسجم پدیده آمده است. نویسنده امامت الهی را محور اساسی وحدت معرفی کرده و چندین آیه مانند آیهی "این امت، باید امت واحده باشد، من هم خدای واحد قهارم، پس در ضمن امت واحده، مرا بپرستید" را آورده و حوزه‌های وحدت را نیز متذکر می‌شود. وحدت در قانون و اجزاء آن، وحدت در رهبری، وحدت در عمل، وحدت در روش، وحدت در تعامل و وحدت در جهت و هدف، جزو حوزه‌های وحدت به حساب می‌آورد. در ادامه الگوهای مربوط به اصل وحدت و هماهنگی را عنوان کرده و توضیح می‌دهد که این الگوها عبارتند از: سیره امیرمؤمنان (ع)، هارون (ع) در غیبت موسی (ع).

در اصل چهارم بنام "اعمال مدیریت بر اساس اختیار نیروها" بیان شده است که خداوند در نظام خلقت، مدیریت الهی را بر شوق و رغبت پدیده‌ها استوار کرده است؛ یعنی اینکه همه پدیده‌ها با میل و رغبت و یا به کراهت در تحت فرمان الهی، انجام وظیفه کنند. و این سنت الهی است که انسان بر اساس اختیار، اعمال رأی و اعمال اراده کند. در ادامه آیاتی همچون ۲۵۶ بقره، ۲۱-۲۲ غاشیه و ... را برای نشان دادن اختیار و نبود اجبار نشان داده است. الگوهای این اصل بر سه قسم، الف) رفتار سازمانی معصوم با معصوم: حضرت خضر (ع) با موسی (ع) - حضرت ابراهیم (ع) با اسماعیل (ع)، ب) رفتار سازمانی معصوم (ع) با غیر معصوم: حضرت موسی (ع) با بنی اسرائیل - پیامبر (ص) با نیروهای تحت فرمان - پیامبر (ص) و جنگ احد - امیرمؤمنان با نیروهای تحت فرمان - امام حسین (ع)



با یاران با وفا، ج) رفتار سازمانی غیر معصوم با غیر معصوم: مانند رفتار ولایت فقیه با مردم که براساس اصل اختیار و اصل بصیرت خواهد بود.

در اصل پنجم بنام "اعمال مدیریت براساس بصیرت نیروها" بیان می‌دارد که مدیر نمی‌تواند بر اساس جهل و تقلید و تحریک مردم را به اطاعت بکشاند. بلکه باید با آگاهی و اختیار نه با جهل و غفلت به این امر مبادرت نماید. در ادامه آیاتی برای مستند کردن اصل بصیرت آورده شده که همچون آیه ۱۰۴ انعام، که می‌فرماید: هر کس بصیر باشد و بصیرت قرآنی بگیرد، به نفع خودش کار کرده است؛ و هر کس کور شود و کلام خدا را نپذیرد، به ضرر خویش اقدام نموده است؛ و من هیچ سلطه و کنترلی بر شما ندارم. که دو مطلب بصیرت در حوزه پذیرش دین و حوزه عمل به احکام خدا در این آیه مورد تذکر قرار گرفته است. پس از ذکر تمام آیات تقلید را از عوامل سقوط به ورطه‌ی حیوانیت نام برده است. سپس بصورت تیتروار الگوهای ارائه شده در مورد این اصل را به صورت زیر عنوان می‌کند: داستان حضرت موسی (ع) و حضرت خضر (ع) - حضرت ابراهیم (ع) با حضرت اسماعیل (ع) - پیامبر و جنگ بدر - امام حسین (ع) در شب عاشورا - برخورد امیرمؤمنان با خوارج - فرعون و جادوگران (نقدی بر دموکراسی غربی).

## ۲.۲ بررسی جایگاه کتاب در تحقیقات پیشین

با بررسی تحقیقات گذشته در حوزه نقد کتاب، یک مقاله نقد کتاب "اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن" حجه الاسلام دکتر ولی ... نقی پورفر مشاهده شد که در سال ۱۳۷۹ در مجله میان‌رشته‌ای: نامه علوم انسانی توسط نبوی به چاپ رسیده بود. این مقاله، نقد کتاب را از سه زاویه "غناهی تحقیق"، "محتوای کتاب" و "شیوه‌ی نگارش" مورد بررسی قرار داده است. نوآوری که نسبت به نقد مذکور در این نقد وجود دارد اولاً به روز بودن آن، دوماً استفاده از روش اسنادی برای نقد کتاب می‌باشد.

در تحقیقات حوزه مدیریت اسلامی مقالاتی که کار شده است، محقق در نظر دارد جایگاه این کتاب را در تحقیقات انجام شده بررسی کند. این بررسی موجب می‌شود کتاب بهتر مورد نقد قرار گرفته و کمبودها و محاسن کتاب بیشتر نمایان شود. در این قسمت تمام تحقیقات پیشین که به نقد کتاب کمک می‌کند آورده شده و در قسمت یافته‌ها جایگاه کتاب در تحقیقات پیشین بررسی می‌شود.

در وحله اول خنیفر (۱۳۸۴:۱۶۶) در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب کتاب‌های مدیریت اسلامی را بصورت زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را با استناد به آیات و روایات و انطباق با مباحث بطور مختصر تبیین نموده‌اند.
۲. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را با استناد به آیات و روایات و انطباق با مباحث علمی بطور مختصر تبیین نموده‌اند.
۳. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را بطور تطبیقی و مقایسه‌ای تبیین نموده‌اند.
۴. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را با استناد به استدلال‌های عقلی تبیین نموده‌اند.

۵. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را با استناد به نهج‌البلاغه تبیین نموده‌اند.

۶. کتاب‌های مدیریت اسلامی با رویکرد اخلاقی

۷. کتاب‌های مدیریت اسلامی با رویکرد ادبی

چاووشی (۱۳۸۸:۴۶) در مقاله‌ی خود در بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی، تاریخچه مدیریت اسلامی را در دو گروه نظریه‌های متقدم مدیریت اسلامی قبل از نهضت مدیریت علمی و نظریه‌های متأخر مدیریت اسلامی بعد از نهضت مدیریت علمی معرفی کرده و پنج نظریه در مدیریت اسلامی را مشخص می‌کند.

۱. رویکرد نظری رشد در مدیریت اسلامی: مانند رویکرد شهید مطهری ۲. رویکرد

اصولگرایی: مانند رویکرد شهید بهشتی ۳. رویکرد اخلاق و ویژگی‌های مدیران اسلامی

۴. رویکرد وظایف مدیران مسلمان: از میان کتب و مقالات در زمینه مدیریت اسلامی

بیشترین درصد، اختصاص به این رویکرد دارد (کیا، ۱۳۷۷؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵؛ نقی

پورفر، ۱۳۸۳). ۵. رویکرد تأثیر ارزش‌های اسلامی بر مدیریت: نظریه‌پردازان اصلی این

دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی، دکتر منوچهر کیا و دکتر عبدالله زندیه می‌باشند.

رحمتی (۱۳۸۸:۱۶۱) در مقاله خود به نوع‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی پرداخته و

در چهار بعد این مطالعات را بصورت زیر تقسیم‌بندی کرده است:

الف - بعد موضوعی یا محتوایی:

۱. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را در حد نظریه‌ها و اصول مدیریت و حکومت‌داری مطرح کرده‌اند. ۲. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را از حد نظریه‌ها گذرانده و تا حدودی وارد تکنیک‌ها و برنامه‌های عملیاتی شده‌اند. ۳. کتاب‌هایی که هدف آنها ارائه پندها و آموزه‌های اخلاقی برای مدیران جوامع اسلامی و انتقال اصول یا فنون مدیریت است.

ب- بعد روش‌شناختی:

۱. کتاب‌هایی که در آنها مبنا و ساختار اصلی کتاب بر پایه نظریه‌های غربی مدیریت قرار دارد و در جریان مطالعه، از متون و منابع اسلامی تأییدهایی برای آنها گردآوری شده است. ۲. کتاب‌هایی که در آنها مبنا، متون و منابع اسلامی است و هر آیه و نشانه‌ای که به زعم نویسنده با مباحث مدیریت و حکومت‌داری در جامعه اسلامی مرتبط بوده گردآوری شده و از ساختاربندی آیات و احادیث، کتابی تدوین شده است.

ج- بعد منابع مورد استفاده:

۱. کتاب‌هایی که عمدتاً به استناد آیات و روایات به نگارش درآمده‌اند. ۲. کتاب‌هایی که به استناد متون و منابع علمی مدیریت و بر پایه آیات و روایات به نگارش درآمده‌اند. ۳. کتاب‌هایی که عمدتاً بر پایه نهج‌البلاغه تدوین شده‌اند از جمله: منشور مدیریت یا نگرش تطبیقی به فرمان حکومتی علی (ع) به مالک اشتر. ۴. کتاب‌هایی که منبع آنها سخنرانی‌ها یا مقالات متنوع و مختلف تشکیل داده‌اند و ساختار منسجمی برای آن نمی‌توان در نظر گرفت. د- بعد نویسندگان یا مؤلفان آثار:

۱. مؤلفانی که حوزه تخصص آنها مطالعات دینی و مذهبی است و مدیریت را به طور جنبی یا استفاده از آثار اندیشمندان دینی کسب کرده‌اند. ۲. مؤلفانی که حوزه تخصص آنها مدیریت است و جنبه‌ی دینی را از طریق مطالعات جنبی یا استفاده از آثار اندیشمندان دینی کسب کرده‌اند. ۳. مؤلفانی که جنبه دوساحتی حوزوی و دانشگاهی داشته و رشته مطالعاتی آنها در دانشگاه، مدیریت بوده است.

مقیمی (۸۹:۱۳۹۸) در کتاب اصول و مبانی مدیریت اسلامی، الگویی برای روش‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی ارائه کرده است که شامل ۶ روش: ۱. روش وحیانی: دستیابی به علم یقینی از طریق وحی الهی. ۲. روش شهودی: ارتباط با حقایق عینی از طریق القائات ملکی یا رحمانی. ۳. روش نقلی: شناخت حقایق جهان با استفاده از کتاب و سنت. ۴. روش عقلی: درک مفاهیم کلی از امور جزئی به دست آمده از طریق حواس و تدوین اصول و

قواعد کلی مدیریت. ۵. روش تجربی: شناخت پدیده‌ها و واقعیات عینی سازمانی از طریق حواس و ابزارهایی همچون استقراء، تجربه و مشاهده. که باید بررسی کرد کتاب دکتر نقی-پورفر با کدام روش مطالعاتی گردآوری شده است.

حمیدی‌زاده (۱۳۷۴:۸) در مقاله‌ای در مورد نقش پیش‌بینی و آینده‌نگری در نظام مدیریت اسلامی پرداخته و آگاهی و بینش را در مدیران برای تدوین سیاست‌های استراتژیک سازمان لازم دانسته و سه نوع آگاهی را معرفی کرده است: ۱. آگاهی و بینش از احکام و فرامین الهی ۲. آگاهی و بینش از امور علمی ۳. آگاهی و بینش از امور سیاسی. باید بررسی کرد که آیا کتاب مورد تحقیق روی پیش‌بینی و آینده‌نگری بحثی کرده است یا خیر؟ که در بخش یافته‌ها به بررسی این موضوع پرداخته خواهد شد.

سرمد سعیدی (۱۳۷۸:۶۲، ۵۴) در مقاله‌ای به بررسی مدیریت اسلامی در عصر حکومت حضرت علی (ع) پرداخته و برای بقای سیستم مدلی شامل اجتناب از خودکامگی - احترام - امنیت - سامان (دانایی، احاطه به امور، نظم و وقت‌شناسی) و برای کنترل در رهبری حضرت علی (ع) مدلی شامل خودکنترلی (ترس از خدا، ترازو قرار دادن خود) - کنترل مستقیم (سرکشی مستقیم کارگزاران، شرکت در مجمع عمومی) - کنترل غیرمستقیم (گزارش بازرسان، شکایات و اعتراضات) و برای انگیزش مدلی شامل افزایش بهره‌وری (علاقه‌مندی به کار، تناسب کار با توانایی) - رضایت (رفاه، امنیت شغلی) - رعایت عدل و دادگری (قدرشناسی، پاداش) ارائه داده است. فلاح‌زاده و اکبری (۱۳۹۵:۱۱۷) در مقاله‌ای با بررسی شیوه مدیریت حضرت علی (ع) در زمان خلافت خلفا، علی‌رغم اعتراض به حق غصب شده خود، با آنها قطع ارتباط نکرد و غیرمستقیم جامعه را در تمامی عرصه‌های علمی، اعتقادی، قضایی و نظامی مدیریت می‌کرد و خلفا نیز در بسیاری از امور حکومتی با وی مشورت می‌کردند. قاضی‌خانی (۱۳۹۸:۱) نیز به بررسی سیره مدیریتی حضرت علی (ع) در مسأله لغزش مالی افراد در حکومت پرداخته و بیان می‌کند که امام (ع) به سادگی از اخبار لغزش مالی کارگزارانش چشم‌پوشی نمی‌پوشید در استقراء و بررسی لغزش‌های مالی روی داده، از راه کارهای مورد استفاده حضرت نیز می‌توان به اطلاع‌رسانی خیرخواهانه، بررسی اخبار لغزش مالی، بازنگه‌داشتن مسیر اصلاح، پیگیری و بازگرداندن اموال و مجازات اشاره داشت. اما نکته اصلی آن است که در پیرامون تمامی این مراحل اهتمام اصلی امام (ع) بر موعظه نیکو و اصلاح درونی کارگزار خاطی بوده است. و همچنین حاج‌حسینی و همکاران (۱۳۹۸:۹۴) در مقاله خود به بررسی تبیین مدیریت شایسته‌سالار از دیدگاه نهج-

البلاغه پرداخته و سه ملاک **پینشی** (ایمان به خدا، تقوا، یاد خدا، ایمان به معاد، اخلاص، عدالت، کرامت انسانی، حسابرسی اخروی، اطاعت از اوامر الهی) - **منشی** (تخصص، تجربه، تدبیر) - **کنشی** (امانتداری، مسئولیت‌پذیری، قانون‌گرایی) را برای مدیریت بر مبنای شایسته‌سالاری از دیدگاه نهج‌البلاغه عنوان کرده است. که در بخش یافته‌ها به بررسی کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن دکتر نقی پورفر در مورد این موارد پرداخته خواهد شد.

محمدی (۱۱:۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان سرمایه انسانی؛ رویکردی نوین در مدیریت اسلامی با تأکید بر تعالیم قرآن کریم، برخی شاخص‌های سرمایه سازمانی در قرآن کریم را ذکر می‌کند: ۱. احترام به حقوق سایر افراد ۲. همکاری و تعاون ۳. مشورت ۴. برابری و برادری ۵. آگاهی و آموزش ۶. عدالت ۷. وفای به عهد ۸. پرهیز از تقلب و یا کم کاری ۹. کار شایسته و عمل صالح ۱۰. صداقت و اعتماد ۱۱. مسئولیت انسان و امید به آینده.

### ۳. روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف، از نوع تحقیقات توسعه‌ای می‌باشد زیرا نتایج آن به محتوای کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن نگاه وسیع‌تری خواهد داد (خاکی، ۱۳۹۰: ۴۲). بررسی و نقد کتاب نقد شده در چارچوب پژوهش کیفی بوده و بر اساس روش اسنادی انجام گرفته است. در این روش برای رسیدن به نقد و بررسی کتاب، به مطالعه‌ی کتاب، مقالات و اسناد پرداخته شده است. روش اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعاتی است که قصد مطالعه آن را داریم (بیلی (Bailey)، ۲۰۰۷: ۱۱۲). روش اسنادی مستلزم جستجوی توصیفی و تفسیری است. در این روش محقق به دنبال واکاوی ذهن و انگیزه‌های پنهان یک مطلب یا متن نیست بلکه علاقه محقق این است که از فهم مقاصد و انگیزه‌های اسناد و متون یا تحلیل‌های تأویلی یک متن خارج شده و آن را به عنوان زبان مکتوب و گفتمان نوشتاری نویسنده، پذیرفته و مورد استناد قرار دهد (مگالاکوی (Mogalakwe)، ۲۰۰۶: ۲۲۲).

### ۱.۳ مراحل اجرای روش اسنادی

طبق پژوهش صادقی فسایی و عرفان‌منش (۱۳۹۴: ۷۱) مراحل اجرای روش اسنادی به صورت زیر می‌باشد:

۱. **انتخاب موضوع، تعیین اهداف و سؤالات:** یکی از موضوعات متناسب با روش اسنادی، نقد نظری می‌باشد. موضوعات دیگری مانند جمع‌آوری نظریات متفکران اجتماعی یا مکاتب، مقایسه تطبیقی رویکرد نظریه‌پردازان یا مکاتب و ... نیز می‌باشند. در این پژوهش موضوع و هدف نقد کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن و سؤال تحقیق این است که کتاب از نظر ساختاری و شکلی و نظری و محتوایی چگونه می‌باشد؟
۲. **بررسی‌های اکتشافی و پیشینه پژوهش:** در بررسی‌های اکتشافی، دست یافتن به پیشینه تحقیق است. لازم است تا محقق به پژوهش‌های پیشین پردازد و جایگاه پژوهش خود را برجسته نموده و بررسی دقیق نماید. در این پژوهش با بررسی پژوهش‌های حوزه مدیریت اسلامی به نقد و بررسی کتاب پرداخته می‌شود.
۳. **انتخاب رویکرد نظری:** در بررسی‌های اکتشافی، پژوهشگر انواع زوایا و چشم‌اندازها به موضوع نظری خود را استخراج کرده و پس از مشورت‌ها و مطالعات اولیه می‌باید موضع نظری خود را اتخاذ نماید. در این پژوهش از رویکرد درودی (۱۳۹۳) که نقد کتاب مبتنی بر دو محور ساختاری - شکلی و نظری - محتوایی می‌باشد، استفاده شده است.
۴. **جمع‌آوری منابع و نمونه‌گیری:** منابع با چهار معیار اسکات (داشتن اصالت، اعتبار، نمایا بودن و معنادار بودن) گزینش شده و با شیوه نمونه‌گیری "تعمدی" و "نظری" اقدام به نمونه‌گیری منابع شده است. یعنی با توجه به محورها و اهداف پژوهش و با عنایت به رویکرد نظری خاص، پژوهشگر دست به انتخاب از بین منابع زده است.
۵. **تکنیک‌های بررسی منابع:** در تکنیک‌های بررسی منابع از تکنیک‌های تعیین واژگان کلیدی، فیش‌برداری، طبقه‌بندی و فهرست و اعلام استفاده شد.
۶. **پردازش، نگارش و گزارش متن:** در این مرحله ابتدا به پردازش متن از منظر رعایت ادبیات پارادایمی و اشباع مطالعاتی، سپس به نگارش نقد و در نهایت به گزارش نقد در نتیجه‌گیری پرداخته شد.

## ۴. یافته‌های پژوهش

برای نگارش متنی درباره نقد علمی کتاب و متون اطلاعاتی، دو محور عمده مورد توجه قرار می‌گیرد: الف- عوامل مهم و تأثیرگذار در ساختار نگارش و سطوح مربوط به آن؛ ب- عناصر مهم در تبیین محتوا و مفاهیم تخصصی متن. البته عناصر مؤثر دیگری در سایه این محورها و در ارتباط با ارکان دیگر می‌توان مطرح کرد؛ ولی همواره این دو رکن مهم در متون انتقادی در مرکز توجه قرار دارند. هر یک از این دو مورد، از اهمیت خاص خود برخوردارند و نمی‌توان هیچ یک را فدای دیگری کرد. در واقع ساختار مفهومی در سایه ساختار شکلی انسجام می‌یابد. این دو محور اصلی را همواره در نگارش نقد باید در نظر گرفت و به شیوه مناسبی از آن‌ها بهره برد (درودی، ۱۳۹۳: ۲۲۲). در نتیجه در این پژوهش در دو بخش الف- شکلی و ساختاری ب- نقد محتوایی و نظری به نقد کتاب پرداخته می‌شود.

## ۱.۴ نقد شکلی و ساختاری

### ۱.۱.۴ محاسن کتاب

کتاب حاضر از نظر جلد از کیفیت خوبی برخوردار است و شاید خریدار را به خود جلب کند. از نظر فونت و صفحه‌آرایی نیز از کیفیت مناسبی برخوردار بوده و یکی از مزایای این کتاب حجم کم آن نسبت به دیگر کتاب‌های مشابه نیز می‌باشد. کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن دارای سه مقدمه می‌باشد که خواننده را برای خواندن اصول آماده می‌کند و همچنین ذکر مشخصات تمام آیات و روایات در سراسر کتاب و توضیحات بیشتر در زیرنویس برای بعضی آیات و روایات نیز از مزایای این کتاب می‌باشد. از منظر ساختاربندی کتاب، نویسنده با آوردن سه مقدمه مهم، می‌خواهد ذهن نویسنده را برای مطالب اصلی آماده کند و این یکی از محاسن کتاب می‌باشد که برای خوانندگان غیرمتخصص نیز درک آن را آسان‌تر می‌کند. اصول پنج گانه‌ای که کتاب به آن پرداخته نیز برای خواننده ملموس، روشن و قابل درک می‌باشد.

#### ۲.۱.۴ معایب کتاب

کتاب به لحاظ ساختاری و شکلی کاستی‌هایی دارد که نقد آن برای هر چه بهتر شدن اثر کمک خواهد کرد. کتاب از نظر ویراستاری نسبتاً مناسب بوده اما دارای ایرادهایی می‌باشد همچون رعایت نکردن به‌وفور از نیم‌فاصله (نمونه: مدیریتهای: ص ۱۷۴)، رعایت نکردن اندازه فونت‌های تیتراهای اصلی با فرعی (نمونه: فونت "مقدمه" کوچکتر از "مستندات اصل بصیرت"، ص ۱۷۴)، استفاده بی‌جا از ویرگول (نمونه: در مورد قرآن نیز، آمده است، ص ۱۷۵)، فونت زیرنویس‌ها در بعضی صفحات متفاوت بوده (نمونه: زیرنویس ۲، ص ۱۴۵)، استفاده همزمان "ویرگول" و حرف "و" در چندین جا (نمونه: بخصوص پدیده نسخ، و پدیده...، ص ۷).

در ساختاربندی کتاب ایرادی که می‌توان وارد دانست شامل نبودن تمامی اصول می‌باشد که موجب می‌شود خواننده احساس فهم ناقص نسبت به مدیریت اسلامی داشته باشد. همچنین یکی از مهمترین بخش‌هایی که یک کتاب علمی حاوی آن است، بخش اعلام می‌باشد که در این کتاب نویسنده از آوردن آن دریغ کرده است. همچنین در منبع-نویسی آخر کتاب مشخص نیست با چه روشی منابع نوشته شده و در بعضی منابع حتی سال چاپ کتاب یا مقاله نیز درج نشده است. یکی از ایرادهایی که می‌توان گفت در این حوزه بر کتاب وارد است استفاده از کلمات تخصصی فقهی می‌باشد. با توجه به اینکه بیشتر مخاطبان این کتاب مدیران می‌باشند و در حوزه فقهی اطلاعات مکفی ندارند استفاده از بعضی لغات باید با معنی عام آن زیرنویس شود (نمونه: انذار عشیره، ص ۱۶؛ معجم‌های قرآن، ۵۶؛ تلبس، ص ۹۶؛ شأن جری، ص ۷). با اینکه کلیت کتاب ساده و روان نوشته شده است اما بعضی جملات مبهم نیز دارد که می‌توان بجای آنها از جملات ساده‌تر بکار برد تا خواننده سریع بتواند مفهوم جمله را درک کند (نمونه: پس مدیر اسلامی، مسوول است که اختیار مردم، بر اساس شعور و آگاهی‌شان باشد، نه بر اساس جوسازی و تبلیغ و اوضاع ویژه‌ای که پدید می‌آید، ص ۱۷۴).

#### ۲.۴ نقد نظری و محتوایی

در نقد و بررسی محتوایی کتاب در وحله اول به بررسی کتاب در تحقیقات پیشین در حوزه مدیریت اسلامی پرداخته که در قسمت پیشینه تحقیق عنوان شده، سپس به بررسی متنی کتاب پرداخته می‌شود.



کتاب مورد پژوهش در تقسیم‌بندی کتاب‌های مدیریت اسلامی خنیفر (۱۳۸۴) جزو دسته اول یعنی "کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را با استناد به آیات و روایات و انطباق با مباحث بطور مختصر تبیین نموده‌اند" قرار می‌گیرد. در حقیقت کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن صرفاً به آیات و روایات استناد کرده و یکی از بزرگترین ایرادهایی که می‌توان به آن وارد دانست عدم توجه به کارکردگرایی بوده و مطالب کتاب با مدیریت میانی و عملیاتی سنخیتی ندارد. در جواب دو سوال "یک مدیر از چه ویژگی‌ها و خصوصاتی باید برخوردار باشد؟" و "چه وظایفی برای مدیر ترسیم شده است؟" باید گفت کتاب مفصل به این دو سؤال مهم پرداخته و صرفاً در اصل اعمال مدیریت بر اساس اختیار نیروها و اصل اعمال مدیریت بر اساس بصیرت نیروها مختصراً به این امر پرداخته است. البته یادآوری شود که کتاب در قسمت سیر اجمالی مباحث، ۲۱ اصل را عنوان می‌کند که در این کتاب فقط به ۵ اصل آن می‌پردازد.

در مقاله چاووشی (۱۳۸۸) که رویکردهای نظری مدیریت اسلامی را معرفی کرده است در حقیقت می‌توان گفت در ۵ اصل کتاب به ۵ رویکرد نظریه رشد، اصولگرایی، اخلاق و ویژگی مدیران، وظایف مدیران، تأثیر ارزش‌های اسلامی بر مدیریت اشاره شده است. در اصل دوم (آخرت‌گرایی) به رشد معنوی انسان اشاره دارد مانند برخورد حضرت موسی (ع) با گوساله سامری که هدف او رشد فکری مردمانش بود. همچنین در این اصل به اصولگرایی نیز اشاره می‌شود مانند الگوی پیامبر (ص) و زینت دنیا و همچنین الگوی برخورد خداوند، با قارون و ثروتش که اشاره به رهبری بدون تفکر مادی و زینتی دارد. در اکثر متن کتاب به ویژگی‌های مدیران به وفور اشاره شده است مانند مدیران بعنوان مصلحان جامعه در مقدمه دوم، تدبیر برای مدیران در مقدمه سوم. اما در رویکرد وظایف مدیران خیلی کم به آن پرداخته شده و بیشتر بصورت کلی مواردی عنوان شده است و به مدیریت میانی و عملیاتی ورود پیدا نکرده است.

در ۴ بعد نوع‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی رحمتی (۱۳۸۸)، جایگاه کتاب را در این تحقیق بررسی کرده و بصورت خلاصه بصورت زیر عنوان می‌شود:

الف- بعد موضوعی یا محتوایی: جزو کتاب‌هایی است که مباحث مدیریت اسلامی را در حد نظریه‌ها و اصول مدیریت و حکومت‌داری مطرح کرده است.

ب- بعد روش‌شناختی: جزو کتاب‌هایی است که در آن‌ها مبنای متون و منابع اسلامی بوده و هر آیه و نشانه‌ای که به زعم نویسنده با مباحث مدیریت و حکومت‌داری در جامعه

اسلامی مرتبط بوده گردآوری شده و از ساختاربندی آیات و احادیث، کتابی تدوین شده است.

ج- بعد منابع مورد استفاده: جزو کتاب‌هایی است که عمدتاً به استناد آیات و روایات به نگارش درآمده‌اند.

د- بعد نویسندگان یا مؤلفان: جزو نویسندگانی هستند که حوزه تخصصی آنها مطالعات دینی و مذهبی است و مدیریت را به طور جنبی و کلی مورد مطالعه قرار داده‌اند. در الگوی روش‌شناسی مدیریت اسلامی مقیمی (۱۳۹۸) که به ۶ روش اشاره شده است، کتاب مورد پژوهش جزو روش نقلی یعنی شناخت حقایق جهان با استفاده از کتاب و سنت بوده و تدوین شده است.

در بررسی نقش پیش‌بینی و آینده‌نگری در نظام مدیریت اسلامی حمیدی‌زاده (۱۳۷۴)، که ۳ آگاهی را برای مدیران مشخص کرده است، بینش و آگاهی از احکام و فرامین الهی به وفور در کتاب بحث شده است ولی دو مورد بعدی یعنی بینش و آگاهی از امور علمی و سیاسی بحثی نکرده است. امور علمی و سیاسی که مدیر را برای تدوین استراتژی برای آینده بصیرت می‌بخشد. که نویسنده می‌توانست حداقل در اصل اعمال مدیریت بر اساس بصیرت نیروها این موضوع را نیز ذکر کند. در مقاله سرمد سعیدی (۱۳۷۸) که به بررسی مدیریت اسلامی در دوران امام علی (ع) پرداخته، سه مقوله بقای سیستم، کنترل و انگیزش را مطرح کرده است. با بررسی این سه مقوله در کتاب می‌توان گفت که در کتاب مورد پژوهش بطور مستقیم روایاتی از نهج‌البلاغه نویسنده آورده است که بیشتر مربوط به بقای سیستم می‌باشد و بحث کنترل و انگیزش را مطرح نکرده است. الگوهای مربوط به بقای سیستم را می‌توان به الگوی حضرت علی (ع) و پیشنهاد ائتلاف در اصل اول که اجتناب از خودکامگی و احترام در این الگو دیده می‌شود و الگوی مربوط به نحوه برخورد حضرت علی (ع) با کارگزاران خود که به اجتناب از خودکامگی دلالت دارد اشاره می‌کنند. کتاب همچنین به بررسی حضور و مدیریت حضرت علی (ع) در زمان حکومت خلفاء نیز اشاره کرده و بیان می‌کند که امام علی (ع) با وجود اینکه خلفاء، حق خلافت او را گرفته بودند با این وجود به آنها کمک می‌کرد و حضور داشت که در مقاله فلاح‌زاده و اکبری (۱۳۹۵) نیز در این مورد بحث شده بود. قاضی‌خانی (۱۳۹۸) در مقاله خود به نحوه برخورد حضرت علی (ع) با کارگزاران خود در هنگام لغزش مالی بحث می‌کند که در کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن نیز در الگوی کارگزاران علی (ع) در اصل آخرت‌گرایی نیز

بحث شده است اما مورد مهمی که در این بخش ذکر نشده بر موعظه نیکو و اصلاح درونی کارگزار خاطی است که طبق این مقاله بیشترین اهمیت را برای حضرت علی (ع) داشته است. در بررسی مدیریت شایسته‌سالار در مدیریت اسلامی که سه ملاک استخراج شده در مقاله حاج حسینی و همکاران (۱۳۹۸) که به بررسی این موضوع در دیدگاه نحج‌البلاغه پرداخته اند، در کتاب بیشتر ملاک بینشی (ایمان به خدا، تقوا، یاد خدا اطاعت از اوامر الهی و ...) را ملاک با ارزش یاد کرده است اما در ملاک دوم (منشی)، فقط به تدبیر پرداخته شده و در مورد تخصص و تجربه صحبتی نشده است. در ملاک سوم (کنشی) نیز تا حدی به امانتداری و قانون‌گرایی پرداخته و مسئولیت‌پذیری در اصول دیگر عنوان شده که در این کتاب بحث نشده است. بحث امانتداری در توصیه‌های پیامبر (ص) و امام علی (ع) به یاران و کارگزاران خود ذکر شده و بحث قانون‌گرایی نیز در اصل وحدت و هماهنگی در مورد وحدت در قانون، صحبت شده است.

کتاب مورد پژوهش در مورد شاخص‌های سرمایه انسانی که مقاله محمدی (۱۳۹۲) آنها را از قرآن کریم استخراج کرده است خیلی کم صحبت کرده است و بیشتر مربوط به اصولی می‌باشد که صرفاً عنوان کرده است و می‌توان گفت تا حدی به شاخص‌های "احترام به حقوق سایر افراد" و "همکاری و تعاون" پرداخته است. و در مورد شاخص‌های مهمی مثل مشورت، عدالت، مسئولیت انسان و امید به آینده بحثی نکرده است.

بعد از بررسی پیشینه پژوهش در مورد مدیریت اسلامی و بررسی جایگاه کتاب در مورد تحقیقات انجام شده در این حوزه بصورت خلاصه به بررسی دیگر ابعاد محتوایی کتاب پرداخته می‌شود.

از منظر آموزشی بودن کتاب باید به بررسی سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رجوع کرد که در مصوبه سال ۱۳۹۳ سرفصل‌های: تعاریف و مفاهیم، برنامه‌ریزی، سازماندهی، انگیزش، رهبری، تصمیم‌گیری، سلوک مدیریت، لغزشگاه‌ها و کنترل می‌باشند. این کتاب به دلیل اینکه تمام اصول مطرح شده در پیشگفتار را مطرح نکرده است خیلی از این سرفصل‌ها در کتاب ذکر نشده است مانند کنترل، انگیزش و... در نتیجه برای مطرح شدن به عنوان منبع درسی نیز مناسب نمی‌باشد.

یکی از کتاب‌های مشابه که برای مقایسه و تکمیل نقد کتاب حجه الاسلام نقی‌پورفر وجود دارد کتاب "اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن" انصاری و همکاران (۱۳۹۱) می‌باشد. این کتاب با کتاب حجه الاسلام نقی‌پورفر تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد که به بیان

این تفاوت‌ها و شباهت‌ها پرداخته می‌شود. کتاب انصاری و همکاران شامل سه بخش است که دو بخش اول آن شبیه کتاب مورد پژوهش می‌باشد که در بخش اول به بیان مقدماتی در مورد ورود به مدیریت اسلامی بیان شده و در بخش دوم به اصول مدیریت اسلامی پرداخته شده است. در بخش سوم نیز به تعریف واژگان و اصطلاحات پرداخته که یکی از کمبودهای کتاب مورد پژوهش می‌باشد. اما تفاوت مهم و بزرگی که میتوان اذعان کرد، این است که در تدوین این کتاب سه اصل توحید، معاد و نبوت مبنا قرار گرفته است که در فصول جداگانه بحث شده‌اند. همچنین از منظر تطبیقی به مباحث مدیریت علمی نیز توجه ویژه شده است. که کتاب مورد پژوهش در این مورد کاستی‌هایی دارد. در بعضی قسمت‌های اصول مدیریت اسلامی مطالبی بدون منبع موثق آورده شده است و با توجه به این که این کتاب جزو کتاب‌هایی است که از آیات و روایات استناد شده است باید منبع برای همه مطالب آورده شود (نمونه: تیتراژ وحدت در تعامل: ص ۱۴۶). این کتاب در قسمت مقدمه اول تا سوم از لحاظ تدوین مطالب، خوش تدوین نبوده و خواننده‌ای که از حوزه تخصصی مدیریت به مطالعه این کتاب رجوع کرده فهم مطالب و کلمات، سخت می‌باشد اما در قسمت اصول تا حدودی بهتر شده و درک مطالب آسان‌تر می‌شود. همچنین در بعضی تفاسیر آیات قرآن از کلمات و جملات تخصصی استفاده شده که برای مخاطبان این نوع کتاب مناسب نمی‌باشد.

## ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن به نوشته حجه الاسلام تقی‌پورفر که آخرین چاپ آن به سال ۹۴ برمی‌گردد با وجود تمام محاسنی که دارد کاستی‌هایی نیز در خود جای داده است. این کتاب در مغازه‌ها و سایت‌های فروش کتاب به ندرت یافت می‌شود و این شاید بخاطر منبع درسی نبودن در دانشگاه‌ها باشد که نیاز به کتاب را کمتر کرده است. در بخش یافته‌ها مفصل کتاب مورد نقد و بررسی قرار گرفت. این نقد و بررسی در راستای کمک به بهبود کتاب در چاپ‌های بعدی می‌باشد. از اهداف کاربردی کتاب که در پیشگفتار به آن اشاره شده است استفاده به عنوان منبع درسی دانشگاهی می‌باشد که با توجه به بررسی و تطابق آن با برنامه مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منبع کاملی نمی‌تواند باشد اما از جنبه‌های کاربردی دیگر مانند آشنایی مدیران با اصول مدیریت اسلامی کتاب مناسبی می‌باشد. کتاب حاضر در سه مقدمه به آماده‌سازی خواننده در حوزه دین و

شناخت اسلام پرداخته و شاید اساسی‌ترین کاستی این سه بخش استفاده از کلمات و اصطلاحات سنگین می‌باشد که مناسب خوانندگان این کتاب نمی‌باشد. سپس از ۲۱ اصولی که در اوایل کتاب ذکر کرده است تنها ۵ اصل اول آن را توضیح می‌دهند. با توجه به بخش یافته‌ها، ایراد اساسی که از کتاب یافت می‌شود جامع نبودن حاصل از نبود همه اصول است که خواننده را کامل قانع نمی‌کند و خواننده به دنبال مواردی در علم مدیریت مانند کنترل، مسئولیت‌پذیری، سلسه مراتب و ... می‌باشد. با اینکه یکی از مزیت‌های کتاب آوردن آیات، روایات متعدد برای هر عنوان و الگو می‌باشد اما همین مزیت باعث شده کتاب به مبحث‌های دیگر مجال پرداختن نداشته باشد. این کتاب در سال ۱۳۷۹ توسط دکتر نبوی نیز مورد نقد قرار گرفته است. در این مقاله از سه منظر غنای تحقیق، محتوای کتاب و شیوه نگارش کتاب را مورد نقد قرار داده است که بیشتر در این مقاله مشاهده می‌شود که به درستی یا نادرستی مطالب از منظر دینی و نقد برداشت‌ها از تفاسیر آیات و روایات پرداخته است. اما کمتر به کامل و جامع بودن و مقایسه تطبیقی کتاب پرداخته است. در مقاله‌ی "نقد و بررسی کتاب مدیریت اسلامی دکتر نبوی" به نوشته باقری (۱۳۸۴)، اقدام به نقد کتاب با نقد روشی و محتوایی پرداخته و در نقد روشی با بررسی رویکردها به مدیریت اسلامی به نقد روش بکار برده شده در این کتاب پرداخته است و در بخش محتوایی نکات مثبت و منفی کتاب را بررسی کرده است. اما در این پژوهش برخلاف دو نقد مشابه مذکور با استفاده از روش اسنادی و گام به گام با این روش به نقد کتاب پرداخته شده است و همچنین نقد شکلی کتاب نیز بصورت مجزا بررسی شده است.

در ادامه برای هر چه بهتر شدن کتاب پیشنهادهایی را متأثر از یافته‌های پژوهش عنوان می‌شود.

۱. کتاب نیازمند یک بررسی ویراستاری می‌باشد تا بعضی ایرادات رفع شود با اینکه ایرادات کمتری دارد و تا حد زیادی رعایت شده است.
۲. با توجه به نوع کتاب در صفحات آخر کتاب بخش اعلام گذاشته شود. و کلماتی که معانی مبهمی دارند در زیرنویس یا بخش اعلام توضیح داده شوند. همچنین نسبت به اصلاح منابع به یک روش منبع‌نویسی اقدام شود.
۳. کتاب باید در هر اصل علاوه بر استناد بر آیات و روایات و الگوها، باید عملیاتی کردن این الگوها را در حال حاضر نیز اشاره کند. زیرا هر خواننده‌ای به دنبال امروری بودن

این روایات یا به عبارتی تفسیر الگوها و آیات و روایات از لحاظ حوزه تخصصی مدیریت هستند.

۴. با توجه به نیاز مبرم آینده‌نگری در مدیران با توجه به اینکه محیط پویا می‌باشد کتاب‌های مدیریت اسلامی نیز باید در یک اصل جداگانه به تدوین آینده‌پژوهی و آینده‌نگری بپردازند که یکی از کاستی‌های مهم این کتاب می‌باشد.

۵. بحث دیگری که در حال حاضر در مدیریت غربی نیز به آن توجه زیاد می‌شود انگیزش می‌باشد. موضوعی که می‌تواند بازده سازمان آخرت‌گرا را دوچندان کرده و به هدف نزدیک کند. این موضوع خیلی کم به آن پرداخته شده و باید وارد روایات برخورد پیامبر (ص) و امامان (ع) با زیردستان خود در حوزه انگیزه شد تا الگوهایی در این زمینه نیز مطرح شود.

۶. در کتاب چندین روایات در مورد امام علی (ع) ذکر شده است اما مطمئناً بطور کامل در مورد مدیریت امام علی (ع) در عصر خلافتش روایات عنوان نشده‌اند. مانند نحوه برخورد امام علی (ع) با لغزش مالی کارگزاران خود که موعظه و اصلاح درونی اولویت حضرت علی (ع) بود.

۷. یکی دیگر از اصولی که باید عنوان می‌شد شایسته‌سالاری و مدیریت مبتنی بر شایسته‌سالاری است.

۸. نویسنده باید به مباحث علمی مدیریت از منظر تطبیقی نیز توجه کرده و در متن بگنجانند.

۹. با توجه به اینکه بعضی عناوین بدون منبع آیات و روایات نوشته شده‌اند، تلاش شود منابع موثق آن مطالب نیز پیوست شود.

در نهایت می‌توان گفت یکی از موانع بزرگ نقد و بررسی بهتر این کتاب کامل نبودن آن است نویسنده در اوایل کتاب توضیح می‌دهد که از ۲۱ اصلی که در نظر گرفته ۵ اصل آن را بررسی کرده و اصول دیگر در وقت دیگر بررسی خواهد شد. این ناقص بودن موجب شده خواننده نیز نیازمند کتاب مکمل برای اصول مدیریت اسلامی بگردد. البته یکی از دلایلی که نویسنده به ۵ اصل اکتفا کرده استناد بالا مطالب به آیات و روایات و تفاسیر آنها می‌باشد. که خود یک مزیت به حساب می‌آید.

در پایان جا دارد این موضوع نیز اشاره شود که با وجود نقدهای وارده بر این کتاب، نمی‌توان از نکات مثبت و محاسن آن، چشم پوشید. زیرا نویسنده آن، یکی از محققان برتر حوزه مدیریت اسلامی بوده و چندین مقاله در این حوزه نیز کار کرده است.

## کتاب‌نامه

- انصاری، محمدعلی؛ مرتضی، سیدسعید؛ دعایی، حبیب‌الله (۱۳۹۱)، *مدیریت اسلامی و الگوهای آن*، مشهد: انتشارات بیان هدایت نور.
- باقری، ناصر (۱۳۸۴)، «نقد کتاب مدیریت اسلامی تألیف حجه الاسلام محمدحسین نبوی»، *مجله علوم انسانی*، س ۱۴، ش ۶۰، ۱۹۱-۱۶۹.
- چاوشی، سیدکاظم (۱۳۸۸)، «بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی»، *فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی*، س ۱، ش ۲، ۵۳-۴۳.
- حاج حسینی، رقیه؛ شجاعی، احمد؛ عبدالرحیمی، علیرضا (۱۳۹۸)، «سنترپژوهی تبیین مدیریت اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه با تأکید بر مدیریت شایسته‌سالار»، *فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، س ۷، ش ۲۸، ۹۷-۷۹.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۷۴)، «تبیین نقش پیش‌بینی و آینده‌نگری در نظام مدیریت اسلامی»، *فصلنامه مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، س ۵، ش ۲۰، ۱۶-۱.
- خنیفر، حسین (۱۳۸۴)، «تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب»، *فصلنامه فرهنگ مدیریت*، س ۳، ش ۱۰، ۲۰۱-۱۵۱.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۰)، *روش تحقیق در مدیریت*، چاپ سوم تهران: انتشارات بازتاب.
- درودی، فریبرز (۱۳۹۳)، «درآمدی بر انواع نقد و کارکردهای آن»، *فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات*، س ۱، ش ۳ و ۴، ۲۳۴-۲۲۱.
- رحمتی، محمدحسین (۱۳۸۸)، «نوع‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی به عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، س ۱، ش ۴، ۲۲۰-۱۹۷.
- سرمدی، سهیل (۱۳۷۸)، «مدیریت اسلامی در عصر حکومت حضرت علی (ع)». *آینده‌پژوهی مدیریت*، س ۱۱، ش ۱، ۶۹-۵۱.
- صادقی‌فسایی، سهیلا؛ عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴)، «مبانی روش‌شناختی پژوهش‌های اسنادی در علوم اجتماعی (مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی)»، *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ش ۲۹، ۹۱-۶۱.
- فلاح‌زاده، محمدهادی؛ علی‌اکبری، راضیه (۱۳۹۵)، «شیوه مدیریت حضرت علی (ع) در جامعه اسلامی عصر خلفا»، *پژوهشنامه مذاهب اسلامی*، س ۳، ش ۶، ۱۳۱-۱۱۷.

- قاضی‌خانی، حسین (۱۳۹۸)، «سیره مدیریتی امیرالمؤمنین (ع) در مسأله لغزش مالی کارگزاران حکومت علوی»، فصلنامه علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۱۰، ش ۳۶، ۱-۲.
- کیا، منوچهر (۱۳۷۷)، *تئوری‌های مدیریت و مدل‌های سازمان*، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۵)، *اخلاق مدیریت در اسلام*، قم: دارالحدیث.
- مقیم، سیدمحمد (۱۳۹۸)، *اصول و مبانی مدیریت اسلامی*. تهران: انتظارات راه دانش.
- محمدی، حسین (۱۳۹۲)، «سرمایه انسانی، رویکردی نوین در مدیریت اسلامی با تأکید بر تعالیم قرآن کریم»، دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت‌ها.
- نقی‌پورفر، ولی‌ا... (۱۳۹۴)، *اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن*، تهران: ثنای دانش.
- نقی‌پورفر، ولی‌ا... (۱۳۸۳)، *مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی.
- نبوی، محمدحسن (۱۳۷۹)، «نقد و بررسی کتاب "اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن" حجه الاسلام نقی پورفر»، مجله میان رشته‌ای: نامه علوم انسانی، ش ۲، ۱۷۲-۱۶۵.

Bailey, K. D (2007), *Methods Of Social Research*, New York: The Free Press.

Mogalakwe, M (2006), «The Use of Documentary Research Methods in Social Research», *African Sociological Review*, no. 10, 221-230.